روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۶۵۰۰۷ - ۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
دوشنبه ۸ خرداد ۱۴۰۲ • ۹ ذی‌القعده ۱۴۴۴ • ۲۹ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۶۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۳۳
اذان صبح فردا ۳:۰۸ • طلوع آفتاب ۴:۵۱

روزنامه شرق

کارخانه سیمان سمنگان در شهرستان مانه و سملقان از ۱۹ سال قبل با پیشرفت ۴۰ درصدی در حالت بلاتکلیفی مانده است.
عکس: حسین معمری، فارس

دیالوگ روز

قسمت اول
از فصل اول
سریال امپراتوری بوردواک
- اچ‌بی‌او- ۲۰۱۰
هیچ‌وقت نذار حقیقت مانع شکل‌گیری یه داستان خوب بشه.

درنگی بر آمار سقط جنین در ایران

سیمین کاظمی

هرازچنـدی آمار سـقط جنیـن در رأس اخبـار جنجالی قرار می‌گیـرد و موجی از نگرانی‌های اخلاقی در فضای رسـانه‌ای تولیـد می‌شـود و آه از نهـاد طرفداران افزایـش جمعیـت برمی‌آیـد، از چنیـن خسـران عظیمی. با وجود آنکه از سـوی دستگاه‌های نظارتی مرز باریکی میان بازنمایی واقعیت در بسیاری از حیطه‌های اجتماعی و آنچه سیاه‌نمایی خوانده می‌شود، ترسیم شده و رسانه‌ها ملزم به احتیاط در بازتاب اخبار برخی واقعیت‌های اجتماعی هسـتند؛ اما گویا در موضوع سقط جنین آزادی مطلق وجود دارد که هر آمار عجیب‌وغریب و محیرالعقولی بدون منبع مشخص به افکار عمومی ارائه شود و سیاه‌نمایی هم به حساب نیاید.

جالب این است که اگرچه منبع آمار سقط جنین عموما مشخص نیست و آمار سقط جنین به واسـطه ماهیت این پدیده اساسـا قابل اتکا نیسـت و نمی‌تواند اعتبار داشته باشـد؛ اما مورد اسـتناد این گروه قرار می‌گیرد تا بر اخلاق ازدست‌رفته مرثیه بخوانند و به سـرزنش زنان و پزشکان مشغول شـوند. از طرف دیگر تهدیدهای قضائی مدیران و مسئولان علیه دست‌اندرکاران سقط جنین و خط‌ونشان کشیدن برای پزشکان و ماماها و یادآوری جرم‌بودن سقط جنین اوج می‌گیرد. البته واکنش‌ها به همین محدود نمی‌شود و چون سـهولت نسبی سقط جنین و کاهش نیاز به پزشـک و ماما تقریبا برای همگان ازجمله مسئولان آشکار شده و می‌دانند بخشی از سقط‌ها با دسترسی به بازار غیرقانونی دارو انجام می‌شود؛ بنابراین دست به کار شده‌اند که راه‌های دیگری را برای کاستن موارد سـقط امتحان کنند و از جنین صیانت کنند. هم از این رو اسـت که زیر نظر گرفتن رحم زنان با ثبت بارداری در سامانه‌های ویژه به‌عنوان راه‌حل جلوگیری از سقط جنین مطرح شـده و به‌تازگی تبلیغات درباره نفس (نجات فرزندان سـقط) که براسـاس گفته‌های گردانندگانش ارائه اطلاعات نادرست به زنان متقاضی سقط یکی از راهبردهای آن است، فضای رسانه‌ای را درمی‌نوردد.

نـوع مواجهه طرفـداران این نـگاه، طرفدار حق حیـات جنین و طرفـداران افزایش جمعیـت با آمـار عجیب‌وغریب سـقط جنین از منظـری دیگر نیز جالـب و قابل بحث اسـت و آن تمرکـز بـر جنیـن و نادیده‌گرفتن مادر اسـت. حتی اگر آمار سـقط جنین در ایـران همیـن آمارهای بدون مأخذ مورد ادعا باشـد و ایران را کشـوری در کره مشـتری تصور نکنیم، براسـاس داده‌های سـازمان بهداشـت جهانی سـقط جنین در ایران بیشتر از میانگیـن جهانـی نیسـت؛ اما حتی اگر فـرض کنیم که چنین آماری درسـت باشـد، از آنجا که براسـاس آمار بین‌المللی، درصدی از سـقط جنین‌های ناامن موجب آسیب به سـلامت زنان و حتی مرگ آنها می‌شـود، بـه طوری که ۴۰۷ تا ۱۳۰۲ درصـد از مرگ زنان باردار به سقط جنین‌های ناامن نسبت داده می‌شود؛ احتمالا این موضوع شامل حال ایران می‌شود و سالانه سلامت شماری از زنانی که مجبور به سقط جنین ناامن شده‌اند، به خطر می‌افتد؛ اما تاکنون شاهد نبوده‌ایم که این تهدید سلامت زنان مورد توجه این گروه که برای قلب جنین شـش‌هفته‌ای نگران هستند، قرار گرفته باشـد. واقعیت این است که در ایران با تسـلط رویکرد محصول‌محور به بارداری، آسیب واردشده ناشی از سقط جنین ناامن به سلامت زنان و مرگ‌های احتمالی مغفول می‌ماند و همه نگرانی‌ها و دغدغه‌های اخلاقی ابرازشـده متوجه جنین است. گویا جان و سـلامت زن در معادلات اخلاقی و دغدغه‌های جمعیتـی جایی نـدارد. مطالعات درباره سـقط جنین تصریح می‌کنند که عمده سـقط جنین‌های ناامن در کشـورهای کم‌درآمد اتفاق می‌افتد و در میان این کشـورها هم عمدتا زنان فقیر و طبقه تهیدست هستند که متحمل آسیب و عوارض سقط جنین ناامن می‌شوند. هم از این رو اسـت که رنج زنان این طبقه در خاموشـی تداوم می‌یابد و هیچ‌گاه نه مرئی می‌شود و نه واکنشی را برمی‌انگیزد.

واقعیت آن اسـت که هیچ‌کس از سقط خوشش نمی‌آید، ارتدوکس‌ترین فمینیست‌ها هم نمی‌خواهند زن در شرایطی قرار گیرد که مجبور به سقط جنین شود؛ چون سقط جنین می‌تواند برای زنان وضعیتی خطرساز رقم بزند؛ اما این وضعیت ناخوشایند و خطرساز قابل پیشـگیری است و می‌توان با راهکارهای عقلانی و توأم با احترام به حق انتخاب و خواسته زنان مانع از وقوع آن شـد. پیشگیری از بارداری ناخواسـته و آموزش به زنان درباره نحوه پیشـگیری می‌تواند از بارداری‌های برنامه‌ریزی‌نشـده بکاهد و در نتیجه میزان سقط جنین کاهش یابد؛ اما شرایط موجود درحال‌حاضر به گونه‌ای است که اقدامات پیشگیری از سقط جنین در مرحله بعد از تشـکیل جنین متمرکز شده اسـت و به پیش از آن کاری ندارد. هم از این رو است که پیشگیری از بارداری به‌عنوان راه‌حل اصلی کاهش موارد سقط مسکوت می‌ماند؛ اما اقدامات مبتنی بر جرم‌انگاری سـقط جنین و نقض امکان انتخاب زنان بیشـتر می‌شـود. از تهدید پزشکان تا کدخدامنشی گروه موسـوم به نفس و راه‌انداختن تشکیلات آزمایشگاهی-پلیسـی برای نظارت و تعقیب رحم زنان. چنین رویکردی نشان از آن دارد که پایان‌دادن به بارداری در ایران بیش از آنکه مسئله بهداشتی تلقی شود، به حوزه حقوقی و قضائی محدود شده است و از این رو است که سالانه زنان بسیاری مجبورند برای مقابله با بارداریِ ناخواسته متحمل خسارت‌های مالی و آسیب‌های سلامتی شوند.

هر برنامه پیشـگیرانه‌ای برای آنکه موفق شود، باید آن‌قدر عقلانیت و جامعیت داشته باشـد که تمام ابعاد یک مسـئله را پوشـش دهد و از اقدامات عجولانه و سخت‌سرانه و انعطاف‌ناپذیر به دور باشـد. درباره سـقط جنین هم تا وقتی به حـق انتخاب افراد احترام گذاشته نشود و مفهوم بارداری ناخواسته به‌عنوان یک واقعیت مورد شناسایی قرار نگیرد و اقدام متناسب با آن اتخاذ نشود، بعید است که تغییری در وضعیت سقط جنین ایجاد شود. همچنین باید توجه داشت که سختگیری‌های هرچه بیشتر، در زمینه اجتماعی عمل می‌کند که ویژگی‌اش نابرابری طبقاتی اسـت و به‌این‌ترتیب این سختگیری‌ها خواه‌ناخواه دامن‌گیر کسانی می‌شود که منابع کمتری در اختیار دارند و لاجرم بیشتر دچار آسیب می‌شوند. درباره سقط جنین هم نادیده‌گرفتن حق انتخاب زنان و انکار مفهوم بارداری ناخواسته و از دسترس خارج‌کردن وسایل پیشگیری از بارداری، ناگزیر موجب افزایش سقط جنین زیرزمینی و ناامن می‌شـود که اغلب دامن‌گیر زنان فقیر و تهیدسـت می‌شـود که از منابع پولی و اطلاعاتی کمتری برخوردارند.

کوتاه سـخن آنکه در مواجهه با پدیده سقط جنین باید مسـئله سلامت و شرایط زنان در مرکز توجه قرار گیرد و با شناسـایی مفهوم بارداری ناخواسته، امکان پیشگیری از چنین بارداری‌هایی که علت اصلی سقط جنین هستند، فراهم شود.

دغدغه‌های طبیبانه

سیستم معیوب خدمات درمانی

درمانگاه‌های شلوغ، حجم بالای بیماران و خستگی روزافزون پزشکان

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

صبح زود بود که به حوالی بیمارسـتان رسیدم. در درمانگاه بسته بود. بیماران زیادی بیرون آن صف کشـیده بودند تا در درمانگاه باز شود و آنها بتوانند به پزشکشـان مراجعه کنند. با اینکه شـغل من پزشـکی است و روزانه با حجم بالایی از بیماران روبه‌رو هسـتم اما آن روز صبح دیدن این صحنـه من را به فکر فرو برد. نوعی اسـتیصال را می‌دیدم. اسـتیصال و درماندگی که به دلیل اشـکال در سیسـتم درمانی دامن بیمار و پزشک را گرفته است.

دوسـتان بسیاری از ایران رفته‌اند و روز به روز هم بر تعداد آنها افزوده می‌شـود. آنها از میزان کار کم پزشکی و درآمد بالا در کشورهای همسایه صحبـت می‌کنند. برای من مثل یـک رؤیا می‌ماند که بیمـاران اندکی را ویزیت کنم. چه می‌شـد اگر هر بار مانند اسـتانداردهای جهانی فقط چند بیمـار را با دقت و حوصله می‌دیدم. در عـوض باید هر روز منتظر دعوا و داد و بیداد بود.

شـرایطی که توان و حوصله را از انسان می‌گیرد. درمانگاه‌هایی شلوغ و درهم. حجم بالای بیمار و خسـتگی روزافزون پزشـک معلوم است که چه معجونی را درسـت می‌کند. به گمانم وضع در سال‌های آینده از این هم بدتر خواهد شد.

همان چند پزشـک خوبی که باقی می‌مانند باید ۱۰ برابر بقیه کار کنند. مشـخص اسـت که آنها هم با این وضـع دوام نخواهند آورد. سیسـتم بهداشتی هم که باید بر مبنای پیشگیری عمل کند عملا در ایران فروپاشیده و اصطلاحا فشل است.

این سیسـتم کار نمی‌کنـد؛ بنابراین بر حجم بیماران افزوده می‌شـود. متأسفانه تمام این سیستم اشتباه است.

از بهداشـت ناکارآمد، سیسـتم پیشـگیری تماما معیوب، حجم بالای بیماران و تعداد کم پزشـکان معلوم اسـت که خروجی چه خواهد شد. به اینها اضافه کنید تبلیغات منفی نهادهای حکومتی و رسـانه ملی علیه پزشـکان و جلوگیری از تعرفه‌گـذاری معقول و مقبول که انگیزه را از یک پزشک می‌گیرد و سبب می‌شود حجم عمده‌ای از آنها به همین کشورهای همسایه مهاجرت کنند و در ازای کاری بسیار کمتر احترام و دستمزد بسیار بیشتری دریافت کنند.

از کنار در درمانگاه و آن همه بیمار منتظر گذشـتم. می‌دانم که فردا بر این تعداد افزوده خواهد شـد و باز هم می‌دانم که فردا باید خبر مهاجرت یکی دیگر از دوسـتان و همکاران را بشنوم. از نظر دولت هم که همه‌چیز عالی اسـت و هیچ مشـکلی وجود ندارد. پس انتظار بهبـودی هم نباید داشته باشم.

بایـد هر روز از در درمانگاه بگذرم. شـاهد این صحنه باشـم و هر روز این استرس را داشته باشم که در درمانگاه من هم داد و بیداد بلند باشد.

روزگارخوانی

لایحه تنش‌زا

گیسـو فغفوری: مناقشه بر سـر «لایحه عفاف و حجاب» حکایت از ابهام در اتخاذ تصمیم درست درباره پوشش در مجموعه دستگاه‌های رسمی است. در این لایحه که ظاهرا به پیشـنهاد دسـتگاه قضائی تهیه و از سـوی دولت به مجلس ارائه شـده است، تلاش شـده تا با تعیین جرایم نقدی و تذکر از طریق فناوری‌های جدید، حتی‌الامکان از برخورد و در نتیجه تنش بین مردم و نیروهای انتظامی کاسته شود. این رویکرد به مذاق گروهی از مجلسی‌های نزدیک بـه پایداری و روزنامه کیهان خوش نیامده اسـت. برخی منتقدان تا آنجـا پیش رفته‌اند که گفته‌اند این لایحه خـود مروج برهنگی و بی‌حجابی است. به گمان آنان باید در پوشش سخت‌گیری بیشتری اعمال شود و نیروی انتظامی اجازه داشته باشد در میدان عمل کند.

ایـن لایحه البته مخالفـان زیادی نیز در میان طیـف مقابل دارد؛ هرچند بیشـتر واکنش‌ها از آن سـو به این لایحه در شـبکه‌های اجتماعی طنز بوده است.

شـاید فکر کنیم همه ماجرا از اواخر تابستان سال گذشته و با مرگ مهسا امینی و اعتراضات شـروع شـد؛ اما نقطه شـروع ماجرا کمی عقب‌تر است. شـاید این ماجرا نقطه شروعی نداشته باشد و مجموعه‌ای از رویدادها آن را سـاخته باشـند؛ اما یکی از نقاط عطف این ماجرا از داخل مترو و اتوبوس و درگیری بین زنان محجبه و بدون روسری شروع شد.

نوع برخورد با آن ماجرا، تقریبا مشـابه همین پیشـنهادی بود که کیهان و برخی مجلسی‌ها درباره این لایحه می‌دهند.

در واقع توقع آنان از این لایحه بازگذاشـتن دسـت نیروی انتظامی و بقیه دسـتگاه‌ها برای برخـورد با بی‌حجابان و حمایـت از برخی نیروهای خاص است.

کمتر از یک سال پیش بود که زنجیره‌ای از چنین اتفاقاتی رخ داد و دولت تازه بر سـر کار آمده، با تقدیر از دستگاه قضائی، با برخورد سفت و سخت با بی‌حجاب‌ها به نفع یک طرف در اختلافات بین مردم مداخله کرد. این لایحه یا لایحه دیگری با سـخت‌گیری بیشـتر، اگر حقوق و خواست مردم را تأمین نکند، در اجرا با مشـکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد که یکی از آنها افزایش تنش میان حکومت و مردم است.

اگر بپذیریم که راه‌حل این مشکل در تمکین به خواست مردم است، نه‌تنها نیازی به لایحه و قانون جدید نیسـت، چه‌بسـا باید بخشی از قوانین موجود اصلاح شود و حتی‌الامکان از مداخله رودرروی مردم با مردم کاست.